رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران و انگلیس

کمال نیک فرجام[1]

(تاریخ دریافت: 1390/10/01 - تاریخ تصویب: 1390/12/10)

چکیده:

یکی از ابزارهای معاملاتی در عرصه تجارت، اسناد تجاری به معنی خاص یا اسناد براتی است. این اسناد که نوعی مال محسوب می شوند کاربردهای مختلفی دارند. برای مثال می توان آن ها را وسیله یا وثیقه پرداخت یک دین قرار داد. با وجود این، همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا می توان مطابق مقررات قانون مدنی این اسناد را در رهن یا وثیقه طلبکار قرار داد؟ رهن اسناد مورد بحث از آن جهت که تعریف عین معین واجد ارزش ذاتی بر آن ها صادق نیست همواره محل تردید و نزاع حقوقدانان بوده است. بعضی رهن آن ها را مطلقاً پذیرفته و برخی نپذیرفته اند. عده ای هم رهن این اسناد را با توجه به بی‌نام یا بانام بودن آن ها مورد بحث قرار داده اند. از طرفی بیشتر صاحب نظران حقوقی وثیقه این اسناد را در قالب عقد رهن تحلیل کرده و تفاوتی بین وثیقه و رهن آن ها قائل نشده‌اند؛ در حالی که به نظر می رسد وثیقه دارای معنی عام است و رهن، نوع خاصی از آن و تحت مقررات قانون مدنی محسوب می شود. بنابراین هر رهنی وثیقه است اما هر وثیقه ای را نمی توان رهن دانست. در حقوق انگلیس نیز این دو عنوان از یکدیگر مجزا و دارای مقررات جداگانه ای هستند.

در این مقاله به بررسی امکان قانونی رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران و انگلیس پرداخته می شود. نتیجه کلی تحقیق بیانگر آن است که اسناد براتی یعنی برات، سفته و چک به عنوان نوعی مال اعتباری، منقول و در حکم عین معین با قابلیت قانونی انتقال و

1- دکترای حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.

Email: nikfarjam.kamal@gmail.com

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

قبض، قابل رهن گذاری و وثیقه می باشند. در حقوق انگلیس نیز این قابلیت پذیرفته شده است و تفاوتی در این مورد بین حقوق ایران و انگلیس وجود ندارد اگرچه احکام رهن در حقوق دو کشور کاملاً مشابه و یکسان نیستند.

واژگان کلیدی: رهن، وثیقه، اسناد براتی، حقوق ایران، حقوق انگلیس.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

مقدمه:

رهن از جمله عقود معینی است که مقررات آن در قانون مدنی بیان شده است. مطابق ماده 771 قانون مدنی، رهن عقدی است که به موجب آن مدیون، مالی را برای وثیقه به داین می دهد. مواد 773 و 774 هم می گوید: مال مرهون باید عین معین و قابل نقل و انتقال قانونی باشد. بنابراین رهن دین و منفعت یا مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست مانند عین موقوفه، باطل است. همچنین با استفاده از ماده 772 قانون مذکور، مال مرهون باید قابل قبض و اقباض باشد. حال، با توجه به مقررات یاد شده این سؤال مطرح می شود که آیا اسناد براتی یا اسناد تجاری به معنی خاص (برات (bill of exchange)، سفته (promissory note)، چک (cheque)) مال واجد اوصاف و قابلیت های مذکور شناخته می شوند تا قابل رهن گذاری باشند یا باید آن ها را دین و غیرقابل قبض و اقباض به حساب آورد و رهن آنها را باطل دانست؟

قانون تجارت ایران حکم صریحی در این مورد ندارد. بنابراین برای یافتن پاسخی مناسب باید با توجه به اصول و قواعد حقوقی، موضوع را مورد تحلیل قرار داد. نظرات حقوقدانان هم در این موضوع متفاوت است. بعضی رهن این اسناد اعم از بانام و در وجه حامل را ممکن و برخی غیرممکن می دانند. عده ای هم با تفکیک اسناد بانام از بی‌نام نظرات متفاوتی را ارائه کرده اند؛ این در حالی است که درحقوق انگلیس رهن اسناد براتی وضعیت روشنی دارد و حکم آن مشخص شده است.

مطالعه رهن اسناد براتی از آن جهت اهمیت دارد که دارنده آن به ویژه تاجر مایل است در معاملات تجارتی از آن استفاده نموده و وسیله ای برای پرداخت یا تضمین دین خود قرار دهد. از طرفی توثیق این اسناد جهت استفاده از تسهیلات و اعتبارات مالی مورد نیاز تاجر امری معمول و رایج است. به این معنا که بانک ها در تسهیلاتی که به مشتریان خود می پردازند از وثایق مختلفی از جمله اسناد براتی استفاده می کنند.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

رهن (mortgage) در حقوق انگلیس با آن چه در حقوق ایران مطرح است از جهاتی تفاوت دارد؛ هر چند از لحاظ هدف مشترک هستند. با این توضیح که رهن در حقوق انگلیس با انتقال مالکیت مال مرهون به مرتهن انجام می شود؛ البته نه مالکیتی مطلق، به این معنا که در صورت ایفای دین توسط مدیون، مرتهن مکلف است مالکیت مال مرهون را مجدداً به راهن برگرداند. هم چنین در رهن مذکور قبض، شرط صحت آن نیست. از طرفی هر مالی اعم از عین، دین، حقوق مالکیت های معنوی (Intellectual property) و حتی مالی که در آینده به وجودمی آید، قابل رهن گذاری هستند. درحالی که وثیقه (pledge/ pawn) اختصاص به اموالی دارد که قابل تصرف مادی هستند مانند کالاها و یا اسناد مالکیت مربوط به آن ها. در وثیقه بر خلاف رهن کالای مورد وثیقه هم چنان در مالکیت وثیقه گذار باقی می ماند هر چند در قبض و اختیار وثیقه گیرنده قرار می گیرد. از این نظر تفاوتی بین رهن درحقوق ایران و وثیقه درحقوق انگلیس وجود ندارد(نیک فرجام- رساله، 89-1388،ص 26).

در این مقاله سعی شده است با تحلیل حقوقی موضوع و نظرات حقوقدانان، امکان رهن و وثیقه اسناد براتی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو مطالب مورد بحث در دو مبحث رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران و رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق انگلیس، همراه با تحلیل ماهیت حقوقی و برخی از خصوصیات مشترک این اسناد ارائه می شود.

مبحث یکم- رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران:

همانگونه که گفته شد قانون تجارت ایران اشاره ای به رهن اسناد براتی ندارد. پیش نویس «لایحه تجارت» نیز فاقد مقرراتی در مورد رهن این اسناد می باشد و تنها در بندهای 2 و 3 ماده 238 آن همانند بند ج و د ماده 13 قانون صدور چک به چک تضمینی اشاره شده است (معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، 1385،ص 370). بنابراین امکان رهن آن ها را باید با توجه به مقررات عام قانون مدنی راجع به رهن مورد بررسی قرار داد. درباره وثیقه هم اساساً عنوان قانونی خاص، آنگونه که در مورد رهن

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

وجود دارد، پیش بینی نشده است و اعتبار حقوقی آن معمولاً با استناد به ماده 10 قانون مدنی توجیه می گردد. وثیقه اسناد براتی نیز از این قاعده مستثنی نیست مگر در برخی موارد که مقررات خاصی به این موضوع اشاره کرده است.

بیشتر حقوقدانان وثیقه این اسناد را در قالب عقد رهن مورد تحلیل قرار داده و نظرات متفاوتی ابراز کرده اند. این نظرات را بررسی خواهیم کرد اما ابتدا لازم است بین رهن و وثیقه اسناد قائل به تفکیک شویم و مقدمتاً برخی از خصوصیات مشترک مؤثر در موضوع رهن و وثیقه آن ها را بیان کنیم، سپس با بررسی ماهیت حقوقی این اسناد امکان رهن و وثیقه آن ها را تحلیل نمائیم.

بند یکم- برخی از خصوصیات مشترک اسناد براتی:

اسناد براتی اسنادی هستند قابل نقل و انتقال سریع و متضمن تعهد یا دستور پرداخت مبلغ معینی پول به رؤیت یا در سررسید کوتاه‌مدت. این اسناد با برخورداری از امتیازات ویژه قانونی می توانند به جای پول وسیله ای برای پرداخت، کسب اعتبار و تضمین قرار گیرند. از این تعریف می توان خصوصیات مشترک آن ها را استخراج کرد. اما در اینجا ویژگی های مشترکی را مورد بررسی قرار می دهیم که بتواند ما را در تشخیص امکان رهن و وثیقه اسناد موصوف کمک نماید.

الف- مالیت اسناد براتی:

در قوانین ایران «مال» تعریف نشده است. از این رو حقوقدانان تعریف هایی را برای آن ارائه کرده اند (ر.ک به: امامی، 1377، 19/1؛ کاتوزیان، 1378، صص 9 و 10 - حائری شاهباغ، 1376،ص 7). آنچه در این تعاریف بیشتر مدنظر قرار گرفته عنصر عرف در شناسایی مال می باشد. بنابراین می توان مال را عرفاً عبارت از چیزی دانست که اولاً مفید بوده و بتواند نیازی از نیازهای انسان را به طور مستقیم یا غیرمستقیم برآورده سازد؛ ثانیاً قابل اختصاص یافتن به شخص معین باشد؛ ثالثاً بتواند مورد داد و ستد قرار گرفته و از نظر اقتصادی قابل تقویم به

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

پول باشد. حال باید دید آیا اسناد براتی مال محسوب می شوند یا خیر؟ در این مورد بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد:

1- نظر موافقین مالیت اسناد براتی:

مطالعات تاریخی نشان می دهد که برات به عنوان فرد اعلای اسناد براتی هم در حقوق فرانسه و هم در حقوق آلمان نوعی پول محسوب می شده است. «بگوان» (Begouen) یکی از اعضای مجلس شورای دولتی فرانسه در مقابل هیأت تقنینیه و در پاسخ به این سؤال که آیا اصولی که در حقوق مدنی لازم الرعایه است در مورد برات هم می توان به کار برد می گوید: «برات نوعی پول است که در عالم تجارت رایج شده و در گردش عمومی گذاشته شده... و صاحبان گوناگون پیدا می کند که امضا و شهرت آنان را کسی که در سررسید وجه برات را می پردازد به خوبی نمی شناسد... پس چگونه می توان چنین پرداخت کننده ای را ملزم به رعایت این قواعد نمود؟...» (صادقیان، 1340،ص 23).

«اینرت» نیز از حقوقدانان مشهور آلمان در این باره می گوید: «موضوع برات اثبات وجود قراردادی بین محیل و محال‌علیه نیست و ممکن است چنین قراردادی اصلاً در بین نباشد. برات یک ماهیت مخصوص به خود دارد و یک نوع پول است؛ پول تجار، آنچنان پولی که به اعتبار ضمانت شخصی تجار و قائم مقام و جانشینان آن ها در معاملات و داد و ستد آنان گردش دارد. نوعی اسکناس است... کسی که براتی را معامله کرده و آن را به دست آورده می تواند آن را مانند پول اعتباری برای پرداخت بدهی های خویش و به عوض دیونش خرج کند و ...» (همان، صص 24 و 25).

نویسندگان حقوقی ایران نیز در این مورد نظراتی را ابراز کرده اند. بیشتر صاحب نظران حقوق تجارت معتقدند که اسناد براتی نوعی مال محسوب می شود. به عنوان مثال، می توان به نظرات زیر اشاره کرد:

«اوراق بهادار (securities) نه تنها معرف حق هستند بلکه امروزه این حق با سند توأم شده و خود سند دارای ارزش مخصوصی می باشد به طوری که اوراق بهادار به طور مستقل

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

صرف نظر از حقی که معرف آن هستند مال منقول محسوب می شوند...» (ستوده تهرانی،۳،۱۳۸۸/214). «برات حسب تعریف متضمن مبلغی پول است و درواقع قسمی مال است... برات و سایر اسناد تجارتی بخشی از سرمایه تاجر را تشکیل می دهد...» (اخلاقی، 1370،ص122). «سند وسیله اثبات حق است و ذاتاً مالیت ندارد ولی پاره ای از موارد موضوع سند چنان با ماهیت آن مخلوط می شود که گویی مالک نوشته، صاحب واقعی حق نیز هست و حق مالی از اجزای سند شده است. بهترین نمونه اینگونه اسناد، اسکناس است که در اقتصاد امروز نماینده ارزش اعتباری آن است... چک های تضمین شده... بروات و سفته ها و چک های در وجه حامل را نیز باید از این گروه دانست...» (کاتوزیان، 1378، ص 85- همچنین ر.ک به: جعفری لنگرودی، 1370،ص 382). بعضی از قضات نیز در نشست های قضایی خود چنین اظهار نظر کرده اند: «... اسناد چنانچه از نظر تجاری و اقتصادی دارای اعتبار و ارزش بوده باشد یا قابلیت مبادله را داشته باشد... در زمره اموال منقول است» (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، 1382،ص96).

2- نظر مخالفین مالیت اسناد براتی:

بعضی از نویسندگان حقوقی و نیز برخی از عالمان دینی اعتقادی به مالیت اسناد براتی ندارند. به عنوان مثال، یکی از صاحب نظران حقوقی با تقسیم این اسناد به اسناد بی‌نام (در وجه حامل) و با نام (در وجه یا به حواله کرد شخص معین)، اسناد بی‌نام را مال منقول مادی دانسته ولی اسناد با نام را به دلیل عدم یگانگی بین سند و موضوع آن، در حکم سند طلب به حساب آورده است (کاتوزیان، 1364،ص541). همانگونه که می دانیم سند طلب، مالیت ندارد بلکه محتوای آن دارای ارزش مالی است. برخی دیگر نیز با احصاء عناصر تشکیل دهنده مال گفته اند: یکی از آن عناصر، ارزش ذاتی داشتن شیء است مثل تمبر پست، طلب و منافع «نه آن ها که حاکی از ارزش باشد مانند اوراق قرضه و دستور پرداخت ...که حاکی از اهداف مالی هستند»(جعفری لنگرودی، 1378، 4 / 3127؛ همچنین ر.ک به: بهرامی، 1384،ص51).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

فقها نیز عمدتاً اسناد براتی را فی نفسه مال نمی دانند. به عقیده آن ها :«سفته پول نیست و معامله به خود آن واقع نمی شود بلکه پول، اسکناس است و معامله به آن واقع می شود... چک های تضمینی... مثل اسکناس، پول است و...» (امام خمینی، 1361،ص 339). هم چنین گفته شده است: «سفته های ریالی که در بین مردم معامله می شود خود سفته ها مالیت نداشته و مورد معامله نیست و مورد معامله ریال هایی است که این سفته ها سند اثبات آن هاست...» (آیت الله تبریزی، 1375،ص 507). در مورد چک نیز فرموده اند: «چک، مالیت ندارد. چک تضمین شده به منزله سند است و فی نفسه مالیت ندارد» (آیت الله فاضل لنکرانی، 1379،ص 266).

3- نظریه مورد قبول:

با وجود اختلاف نظر در مورد مالیت اسناد براتی به نظر می رسد این اسناد اعم از با نام و بی‌نام نوعی مال محسوب می شوند؛ مالی منقول، اعتباری و دارای ارزش اقتصادی که کاربردی شبیه پول دارند. دلایل زیر را می توان در تأیید این نظریه ارائه کرد:

اولاً عرف، مالیت اسناد براتی را پذیرفته و آن را واجد منفعت عقلایی و قابل داد و ستد می داند. این مالیت از آنجا ناشی می شود که سند براتی، صرف نظر از وجود یا عدم وجود معامله پایه، پس از انتقال به دارنده با حسن نیت، فی نفسه متضمن تعهد پرداخت مبلغ مندرج در آن می باشد که به اعتبار متعهدان آن مورد معامله قرار می گیرد. این اسناد بر خلاف اسناد دیگر که صرفاً دلیل محسوب می شوند و اصطلاحاً «طریقیت» برای اثبات موضوع آن دارند خود، «موضوعیت» دارند (ستوده تهرانی، پیشین،ص16-اخلاقی،پیشین،ص 32-جعفری لنگرودی، 1378، 836/2) و به دارنده آن حق می دهند که مبلغ آن را وصول نماید؛ حقی که از منشأ خود جدا شده و در سند تجسم پیدا کرده است (سلجوقی، ۲،۱۳۷۷/373). بنابراین اسناد براتی دارای ارزش استقلالی یا تجریدی هستند (عرفانی، 1380، 2/ 57، رأی شماره3/71 مورخ 1372/2/18 شعبه سوم دیوان عالی کشور).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

ثانیاً قانونگذار این اسناد را قابل معامله معرفی کرده است. بند 8 ماده 2 ق.ت. به معاملات برواتی اشاره کرده و ماده 245 قانون مذکور، ظهرنویسی را وسیله انتقال برات دانسته است. مقررات مربوط به ظهرنویسی در مورد سفته و چک هم لازم الاجرا هستند. بنابراین تردیدی نیست که منظور قانونگذار، معامله با خود این اسناد به اعتبار مالیت آن ها بوده است نه انتقال دین یا طلب ناشی از رابطه حقوقی که سند براتی مبتنی بر آن صادر یا مورد معامله واقع شده است. زیرا ممکن است اساساً چنین رابطه ای وجود نداشته و مثلاً در مورد برات محیل، مدیون محتال نبوده باشد. قانونگذار هم این مدیونیت را بر خلاف حواله[1] شرط صحت برات ندانسته است.

اسناد براتی نقش جایگزینی پول را ایفا می کنند. ماده 18 آئین نامه قانون مالیات سابق مصوب 1312 مقرر داشته بود: «منظور قانون از اوراق تجارتی مشابه عبارت از اوراقی است که موافق معمول تجارت قابل نقل و انتقال بوده و به جای پول رواج دارند و وجه آن ها به رؤیت یا به وعده کارسازی می شود از قبیل بروات و فته طلب [سفته] و اوراق دیگری که توسط تجار یا بانک ها در وجه حامل یا به اسم شخص یا تجارتخانه معین و یا به حواله کرد آن ها صادر می شوند...» (افتخاری، 1380،ص37- همچنین ر.ک به: مجموعه قوانین سال 1313،ص 173). بنابراین تصور نقش جانشینی پول برای این اسناد، بدون مالیت داشتن آن ها غیر ممکن است. از این رو قانونگذار به درستی اسناد مورد بحث را همانند پول، مال اعتباری تلقی کرده بود.

ثالثاً بیان این موضوع که چک های تضمینی بر خلاف سفته، مثل اسکناس تلقی می شوند و مالیت دارند نشان می دهد که به اعتبار عرفی و بانک صادرکننده این چک ها توجه شده و این اعتبار، ملاک مالیت چک قرار گرفته است. ضمن تأیید این مطلب می توان گفت ممکن است دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی صادرکننده این اسناد هم دارای چنین اعتباری باشند در این صورت نمی توان مالیت آن ها را نادیده گرفت. در عین حال

1- مطابق ماده 726 ق.م «اگر در مورد حواله، محیل، مدیون محتال نباشد، احکام حواله در آن جاری نخواهد بود».

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

چنانچه فرض شود دیگران از اعتباری همانند اعتبار بانک ها برخوردار نیستند باز هم به نظر می رسد این امر موجب بی اعتباری مطلق و عدم مالیت اسناد صادره از سوی آن ها نمی گردد. چه اینکه قانونگذار این اسناد را قابل معامله و دارای امتیازات قانونی دانسته است و عرف نیز این اسناد را بطور معمول فاقد مالیت نمی داند، هر چند ممکن است همانند چک های تضمینی مورد معامله قرار نگیرند. برخی از فقها نیز به جواز فروش چک به بدهکار به مبلغی کمتر – تنزیل – فتوا داده اند (آیت الله خامنه ای 1378،ص362).

ب- قابلیت انتقال، قبض و توقیف اسناد براتی:

یکی از ویژگی های مشترک اسناد براتی، قابلیت انتقال (transferability) و معامله و آن ها می باشد. این انتقال معمولاً از طریق ظهرنویسی صورت می گیرد. مطابق مواد 245 تا 247 ق.ت. انتقال برات به وسیله ظهرنویسی و با امضای ظهرنویس به عمل می آید. مقررات مربوط به ظهرنویسی برات به موجب مواد 309 و 314 ق.ت. در مورد سفته و چک هم اجرا می شود. باید توجه داشت ظهرنویسی، تنها طریق انتقال اسناد براتی نیست زیرا ممکن است این اسناد در اثر فوت دارنده آن نیز به صورت قهری به وارث انتقال یابد یا در موردی که ظهرنویسی به صورت سفید امضا باشد انتقال های بعدی به صرف قبض و اقباض انجام شود؛ هم چنانکه اگر سفته و چک در وجه حامل صادر شده باشند انتقال آن ها به همین ترتیب انجام می شود. با ظهرنویسی یا قبض و اقباض سند در وجه حامل، منتقل الیه سلطه و اقتدار کامل بر سند پیدا می کند و می تواند حقوق متعلق به آن را استیفا نماید. بنابراین اسناد براتی اساساً قابل انتقال و قبض و اقباض می باشند.

توقیف اسناد براتی نیز امکان پذیر است. ماده 67 قانون اجرای احکام مدنی مصوب 1356/8/1 این اسناد را تحت عنوان اوراق بهادار[1] و اموال منقول قابل توقیف دانسته است.

1- مطابق بند 24 ماده 1 قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا. مصوب 1384/9/1، اوراق بهادار، هرنوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

هم چنین در ماده 64 آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الأجرا مصوب 1387/6/11 از اوراق بهادار به عنوان کاغذهای قیمتی یاد شده و امکان بازداشت آن ها پیش بینی شده است.

ج- اسناد براتی از جهت نوع مال:

اسناد براتی را باید در زمره اموال منقول قرار داد. زیرا اصل دراموال، منقول بودن آن است و اموال غیر منقول استثناً بر اصل و منحصر به موارد مذکور در قانون می باشد. به علاوه مسأله مهم مربوط به امکان رهن اسناد مزبور تعیین نوع این اموال از جهت عین یا دین بودن آن ها است. این موضوع به دو صورت ممکن است مورد تحلیل قرار گیرد. نخست اینکه گفته شود چون عین، مالی است مادی، مستقل و موجود در عالم خارج (صفایی، 1383،ص128)، پس این اسناد، مال عینی نیستند. زیرا مالیت مستقل ندارند و حکایت از دین یا حق دینی می نمایند(دمرچیلی و دیگران، 1384،ص 515). مالیت خود برگه سند هم که ناچیز است و به عنوان یک عین مورد توجه قرار نمی گیرد. از طرفی تصرف سند به معنی قبض مال موضوع آن نیست؛ زیرا ایفای مال بر عهده متعهد یا متعهدان سند است و ذمه آن ها قابل قبض کردن نمی‌باشد. از اینرو نمی توان این اسناد را عین یا در حکم عین به حساب آورد. اما در مقابل ممکن است چنین استدلال شود که اسناد براتی به دلیل ویژگی های خاص از جمله شرایط شکلی، اصل عدم تأثیر ایرادات و قابلیت معامله، به عنوان یک مال اعتباری، مستقل از منشأ و علت تأسیس خود تلقی می شوند و در معاملات آن ها آنچه مورد معامله قرار می گیرد خود سند به عنوان نماینده مال و تجسم حقوق متعلق به آن می باشد. خریدار با پرداخت مبلغ یا طلبی که از واگذارنده دارد سند براتی را به عنوان یک مال، با ارزش اقتصادی معین به دست می آورد که او نیز می تواند قبل از سررسید، آن را تنزیل کرده و وجه آن را دریافت نماید یا به عوض دین، آن را به داین خود انتقال دهد. بنابراین سند براتی را می توان یک عین معین یا دست کم در حکم عین به

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

حساب آورد. در این موضوع تفاوتی بین سند براتی بانام و در وجه حامل وجود ندارد. چون این تفاوت فقط در نحوه معامله و انتقال این اسناد است، نه در مالیت سند و نوع آن.

به نظر می رسد تحلیل اخیر با توجه به پیشینه تاریخی، اهداف و خصوصیات اسناد براتی به صواب نزدیکتر است. زیرا اولاً این اسناد با ویژگی های خاص خود، سرمایه و اموال اعتباری جدیدی را در جامعه به ویژه در عرصه تجارت به وجود آورده اند که نمی توان آن ها را در تقسیم بندی سنتی اموال جای داد. به عبارت دیگر اموال مزبور نه در دسته اعیان با تعریف شناخته شده آن قرار می گیرند و نه دین مطلق محسوب می شوند تا بتوان نقل و انتقال آن ها را تابع انتقال دین و طلب دانست. از اینرو بعضی از نویسندگان حقوقی به درستی اسناد مزبور را در حکم عین معین به حساب آورده و چنین استدلال کرده اند که این اسناد، عرفاً جانشین مال تلقی می شوند و اعتبارشان به راحتی قابل جدا سازی از آن ها نمی باشد (ره پیک، 1378، ص 146). برخی دیگر نیز اسناد براتی در وجه حامل را مال منقول مادی (عین معین) دانسته اند (کاتوزیان، 1364،ص 541). ثانیاً هر چند رویه قضائی در مورد عین یا در حکم عین بودن اسناد مورد بحث حکم قاطعی ندارد اما در قسمتی از رأی مورخ 1370/10/9 شعبه 24 دادگاه حقوقی 2 تهران آمده است: «... ثالثاً اگر چه توافق بانک مزبور و شرکت یاد شده دایر به توثیق سفته ها با ظاهر ماده 774 ق.م. مغایر است لیکن از آنجا که دادگاه، سفته ها را در حکم عین معین تلقی می کند بنابراین تهافتی با مقررات مزبور ندارد. زیرا ارزش اسناد موضوع وثیقه با عین آن در حکم واحد است...» (به نقل از صقری، 1387،صص91 و 92). بنابراین با توجه به برخی از خصوصیات اسناد براتی مانند مالیت، قابلیت انتقال، قبض و توقیف می توان این اسناد را مال منقول اعتباری و در حکم عین معین به حساب آورد.

بند دوم- رهن اسناد براتی:

منظور از رهن اسناد براتی این است که دارنده سند با ظهرنویسی تضمینی، آن را در اختیار طلبکار قرار می دهد تا در صورتی که در موعد مقرر،دین خود را پرداخت نکرد،

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

طلبکار بتواند از محل مال مرهون طلب خود را استیفا نماید. در این نوع ظهرنویسی همانند ظهرنویسی برای وکالت باید عباراتی مانند «به عنوان رهن یا برای گرو» یا هر عبارت مشابهی قید گردد. در غیر این صورت ظهرنویسی وفق ماده 247 ق.ت. انتقالی تلقی خواهد شد. به علاوه، صدور این اسناد به عنوان تضمین و رهن هم امکان پذیر است، مخصوصاً اگر ضامنی با امضای سند، پرداخت از طرف صادرکننده را ضمانت کرده باشد. ماده 13 قانون صدور چک امکان صدور چک تضمینی بابت انجام معامله یا تعهد را پیش بینی کرده است. در این موارد مالکیت سند به طلبکار منتقل نمی گردد بلکه سند در رهن او قرار می گیرد. از آنجا که حق داین محدود به سند معین و حقوق متعلق به آن می باشد می توان آن را نوعی حق عینی تبعی دانست که در صورت ایفای دین، باید سند مزبور عینا به راهن مسترد گردد. اما چنانچه دین پرداخت نشد مرتهن، می تواند با اجرای سند و از محل حقوق و تضمینات مربوط به آن، طلب خود را دریافت کند.

در مورد امکان رهن اسناد براتی با توجه به مقررات قانون مدنی مخصوصا ماده 772 که قبض را شرط صحت رهن ذکر کرده است، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی رهن این اسناد را غیرممکن دانسته و راه حلهای جایگزین را پیشنهاد کرده اند و عده ای هم رهن آن ها را صحیح می دانند که به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد.

الف- نظر مخالفین رهن اسناد براتی و راه حل پیشنهادی:

کسانی که اسناد براتی را صرفاً سند حاکی از دین تلقی می کنند و برای موضوع آن ارزش مالی و از نوع دین قائلند رهن آن را برخلاف ماده 774 ق.م. می دانند، زیرا در این ماده رهن دین و منفعت باطل اعلام و به لزوم عین معین بودن مال مرهون تصریح گردیده است. بر این اساس، قبض این اسناد هم قبض مال موضوع آن ها به حساب نمی آید و نتیجتاً امکان تحقق ماده 772 ق.م وجود ندارد. مطابق این نظر حتی مال اعتباری هم، چون عین معین به حساب نمی آید قابل رهن نیست. به عقیده آن ها «اگر اموال اعتباری و اوراق و اسناد تجارتی مشمول ممنوعیت موضوع ماده 774 ق.م. نبودند قانونگذار ضرورتی نمی دید

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

که در مواردی مثل مواد 114 و 115 ل.ا.ق.ت. به صراحت بر قابل توثیق بودن اسنادی از این قبیل تاکید کند. در موارد اخیر در واقع توثیق سهام متعلق به مدیران در صندوق شرکت مجاز شناخته شده است. اگر قانونگذار در حین وضع ماده 247 ق.ت. به قابل رهن و وثیقه بودن برات نظر داشت مسلم آن را پیش بینی می کرد...»(اسکینی، 1376،ص 112).

عده ای نیز گفته اند ماده 774 ق.م. بیانگر عدم پذیرش ظهرنویسی به عنوان وثیقه در نظام حقوقی ایران است. چون به موجب ماده مزبور عین معین بودن مال مرهون ضروری بوده و رهن دین مردود دانسته شده است. حال آن که اسناد تجاری ظاهراً سند دین محسوب می شوند و تنها حاکی از وجود دین بر عهده مسئولین آن هستند(دمرچیلی و دیگران، پیشین،ص 455). بعضی هم اسناد براتی با نام را در حکم سند طلب دانسته و رهن آن ها را با توجه به لزوم عین بودن مال مرهون، نپذیرفته اند (کاتوزیان، 1364،ص 541). برخی دیگر با توجه به مقررات مختلف قانونی نتوانسته اند صراحتا در این مورد اظهار نظر کنند و گفته اند: «در حال حاضر می توان با ملاحظه ماده 67 قانون اجرای احکام مدنی... که اوراق بهادار را جزء اموال منقول محسوب داشته، ظهر نویسی به عنوان وثیقه را در اسناد تجارتی (به فرض منقول بودن آن ها) قابل قبول دانست اما با ملاحظه ماده 774 ق.م. که رهن دین و منفعت را باطل دانسته نمی توان به قبول توثیق اسناد مزبور نظر داد»(عرفانی، ۱،۱۳۷۸/ 204).

با توجه به نظرات فوق، حقوقدانان راه حلهای جایگزین رهن را برای این اسناد ارائه کرده اند که معامله با حق استرداد یکی از آن هاست. در این معامله خریدار شرطی (طلبکار) مال مورد معامله را تملک نمی کند بلکه در صورت امتناع بدهکار (ظهرنویس) از پرداخت بدهی در موعد مقرر، طلبکار می تواند از حاصل فروش سند، طلب خود را وصول و مازاد را (چنانچه باشد) به بدهکار مسترد دارد (اخلاقی، پیشین،ص127). هم چنین«اعطای وکالت» راه حل پیشنهادی دیگری است که به موجب آن بدهکار به بستانکار وکالت می دهد تا از طریق سند براتی، طلب او را وصول کند و هر چه را به دست می آورد نزد خود رهن بگذارد (امامی، ۲،۱۳۷۷/420).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

ب- نظر موافقین رهن اسناد براتی:

کسانی که رهن اسناد براتی را صحیح می دانند برای خود این اسناد ارزش و استقلال مالی، قابلیت قبض و انتقال، مشخصات معین و قابل تفکیک از سایر اسناد قائلند و آن ها را در حکم عین معین و جزء اموال منقول اعتباری به حساب می آورند. آن ها می گویند: «ممکن است ایراد شود که مقنن در قسمت اخیر ماده 774 ق.م رهن دین و منفعت را صریحا باطل دانسته، علیهذا ظهرنویسی برات به عنوان رهن، ملاک قانونی ندارد. لکن همانطور که قبلا گفتیم چون حقوق دارنده برات مانند سایر اوراق بهادار ناشی از سند است نه مدیون، به علاوه به عقیده عموم علمای حقوق این قبیل اوراق در زمره اوراق اعتباری و یک نوع مال شمرده شده، علیهذا برات، دین یا منفعت نبوده و مشمول مقررات قسمت اخیر ماده موصوف نمی باشد» (حسینی تهرانی، 1364،ص 138). بعضی دیگر نیز با استدلال‌هایی مشابه چنین اظهارنظر کرده‌اند که انتقال سند تجاری، انتقال دین نیست. در واقع حقوق دارنده برات، ناشی از سند است و مشار الیه حق مستقلی نشأت یافته از تصرف سند (به عنوان مالکیت) به دست می آورد که با حق دستهای پیشین فرق می کند و از آن گسترده تر می باشد. قانون نیز صورت ظاهر سند را مورد توجه قرار داده است. بنابراین برات، عوض دین به عنوان مال منقول غیر مادی در حکم عین به حساب می آید اعم از اینکه در وجه حامل باشد یا در وجه شخص معین. پس رهن سند کاملا قابل پذیرش بوده و صورت قانونی دارد (صقری، 1387،صص 91 و 92 همچنین ر.ک به: ستوده تهرانی، پیشین، 65/3 و 207- جعفری لنگرودی، 1370،ص 10 و 69- اخلاقی، پیشین،ص 122- ره پیک، پیشین،ص 164).

برخی هم با تفکیک اسناد بی‌نام از با نام در مورد رهن اسکناس و اسناد در وجه حامل گفته اند: «در این مورد قوانین و رویه قضایی پاسخ قاطعی ندارد ولی به نظر می رسد که رهن این گونه اسناد درست است. زیرا در دید عرف ارزش موضوع آن ها چنان با عین سند مخلوط شده است که انتقال و قبض اسناد به منزله انتقال و قبض اموال موضوع آن هاست.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

پس هیچ مانعی ندارد که عین این اسناد موضوع رهن قرار گیرد، همچنان که موضوع بیع واقع می شود...»(کاتوزیان، 1364، ص540).

ج- نظریه مورد قبول:

با توجه به آنچه گفته شد، مخصوصاً در مورد خصوصیات مشترک اسناد براتی، می توان نظر موافقین رهن این اسناد را پذیرفت. زیرا به نظر می رسد اسناد مزبور دارای همه اوصاف یک مال مرهون می‌باشند. در مالیت این اسناد، هم چنین قبض و اقباض، انتقال و امکان توقیف و بازداشت آن ها تردیدی وجود ندارد. نکته ای که بیشتر مورد اختلاف نظر قرار گرفته، موضوع عین بودن یا نبودن این اسناد است. همان گونه که بیان شد می توان برای این اسناد، با توجه به ویژگی هایی که دارند ارزش عینی مستقل و جدا شده از منشأ تاسیس آن ها در نظر گرفت. ارزشی معادل مبلغ و حقوق متعلق به سند که در برگه سند ظهور و تجسم پیدا کرده است. در واقع سند با مال موضوع آن در هم آمیخته و عرفاً نماینده آن محسوب می شود. همین سند است که به عنوان جانشین مال موضوع آن مورد معامله و قبض و اقباض قرار می گیرد. حال به فرض اینکه تعریف عین بر این اسناد صادق نباشد می توان با توجه به برخی اوصاف مذکور مانند امکان انتقال، قبض و توقیف، این اسناد را در حکم عین معین به حساب آورد. این مساله می تواند امکان رهن آن ها را مطابق مقررات قانون مدنی توجیه کند، زیرا عین معین بودن مال مرهون که در ماده 774 ق.م به آن تصریح شده و در مقابل دین و منفعت قرار گرفته است، از جهت امکان قبض آن بوده است نه از جهت موضوعیت و خصوصیت داشتن عین. زیرا هدف از رهن این است که طلبکار مال مرهون را به عنوان وثیقه طلب خود قبض نماید تا ضمن مصون ماندن از نقل و انتقال بتواند در موقع مناسب آن را فروخته و طلب خود را وصول نماید. لذا اگر مالی بتواند این هدف را تامین کند باید رهن آن صحیح فرض شود و سند براتی با داشتن این قابلیت می تواند امکان تضمین حقوق مرتهن را فراهم نماید.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

امکان رهن اسناد براتی اختصاص به اسناد بی‌نام یا در وجه حامل ندارد. زیرا اسناد با نام نیز دارای ویژگیهای مذکور می باشند و تفاوت انتقال آن ها به ویژگی مالیت و امکان قبض این اسناد لطمه ای وارد نمی کند و ماهیتشان را تغییر نمی دهد. بنابراین باید حق را به کسانی داد که مطلق اسناد براتی را قابل رهن می دانند. برخی مقررات جدیدالتصویب نیز این نظر را تأیید می‌کند. مطابق بند 1 ماده واحده قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانکها و... مطلق چک و سفته قابل رهن هستند (مجموعه قوانین و مقررات سال 1380، 512/1).

بند سوم- وثیقه اسناد براتی:

همانگونه که پیشتر گفته شد مال موضوع رهن باید عین معین (یا در حکم عین معین) باشد و رهن دین و منفعت باطل است. عین نیز باید به قبض مرتهن داده شود و بدون آن رهن باطل است. شرط دیگر موجود بودن دین، در زمان رهن است که مال مرهون وثیقه پرداخت آن قرار می گیرد. وجود این شروط در وثیقه به معنی عام آن ضرورت ندارد. در واقع رهن، نوعی وثیقه خاص محسوب می شود و وثیقه نسبت به رهن مذکور مفهومی عام دارد، پس می توان گفت هر رهنی وثیقه است اما هر وثیقه ای الزاما رهن نیست. وثیقه را در غیر مورد رهن باید عقدی نا معین و مستند به ماده 10 ق.م. دانست که معمولا بین متعهد و متعهد له منعقد می گردد.گاهی هم ممکن است شخص ثالث، مالی را وثیقه تعهد یا دین مدیون قرار دهد (ر.ک به: جعفری لنگرودی، 1376، 542/5- جعفری لنگرودی، 1386، 57/3).

حال سؤال این است آیا اسناد براتی قابل توثیق هستند یا خیر؟ با تحلیلی که از رهن این اسناد به عمل آمد حکم وثیقه آن ها کاملاً روشن است. زیرا آنچه در وثیقه اهمیت دارد، مالیت شیء مورد وثیقه است اعم از اینکه شی مورد نظر، عین، در حکم عین یا طلب و حتی منفعت باشد. به عبارت دیگر وثیقه ممکن است عینی، دینی یا ذمه ای باشد. بنابراین اسناد براتی به لحاظ مالیتی که دارند قابل توثیق هستند. این وثیقه ممکن است در زمان صدور این اسناد و با درج عبارتی نظیر «بابت تضمین یا وثیقه» در آن ها تحقق یابد یا از طریق ظهرنویسی وثیقه‌ای که نوعی ظهرنویسی غیر انتقالی محسوب می شود، صورت

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

گیرد. در قانون تجارت به ظهرنویسی وثیقه ای اشاره ای نشده است[1] اما مطابق بند ج و د قانون صدور چک، امکان صدور چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهد پیش بینی شده است. از آنجا که تفاوتی در این مورد بین چک و دیگر اسناد براتی وجود ندارد و نیز تفاوتی بین صدور چک تضمینی با زمانی که این سند به عنوان تضمین مورد ظهرنویسی قرار می گیرد، مشاهده نمی شود پس می توان از ملاک ماده مذکور چنین استنباط کرد که این اسناد می توانند مورد تضمین و وثیقه قرار گیرند اعم از اینکه به عنوان وثیقه، ظهرنویسی و یا از ابتدا جهت تضمین صادر گردند.

استفاده عمده از وثیقه اسناد براتی در بانکها صورت می گیرد. تجار غالباً برای تضمین حسن انجام تعهدات یا بازپرداخت تسهیلات اعطایی، اسناد مذکور را در وثیقه بانک قرار می دهند. در بین این اسناد، سفته جایگاه خاصی در تضمین های بانکی دارد و یکی از وثایق مهم و رایج محسوب می شود (بانک صادرات ایران، بخشنامه شماره78/52/18-1 مورخ 87/3/16).در موارد دیگر نیز اسناد براتی کاربرد وثیقه ای دارند. به عنوان مثال می-توان به چنین کاربردی در قراردادهای انجام خدمات پیمانکاری (جعفری لنگرودی، 1376، 540/5) و نیز تعهدات مدیران و کارکنان بنگاههای مشمول واگذاری در قبال سهام واگذاری آن بنگاه ها(مجموعه قوانین و مقررات سال 1387، 2270/2) اشاره کرد.

مبحث دوم- رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق انگلیس:

در حقوق انگلیس اسناد براتی تحت عنوان «اسناد قابل معامله» (negotiable instruments) مورد بررسی قرار می گیرند. هر چند اسناد دیگری مانند اوراق قرضه در وجه حامل، حواله سود سهام و حواله بانکی نیز در زمره اسناد قابل معامله محسوب می

1- ماده 19 قانون متحد الشکل ژنو درمورد برات و سفته(مصوب 1930 میلادی) به ظهرنویسی وثیقه ای اشاره کرده و می گوید: «هنگامی که ظهرنویسی متضمن عبارات value in security, value in pledge [جهت تضمین یا جهت وثیقه] یا هر عبارت دیگری حاکی از وجود وثیقه باشد، دارنده می تواند تمام حقوق منعکس در سند را به اجرا درآورد اما ظهرنویسی او تنها به عنوان وکالت امکان‌پذیر خواهد بود...».

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

شوند اما اسناد براتی جایگاه خاصی بین آن اسناد داشته و از مصادیق بارز آن هستند. به عقیده برخی از حقوقدانان انگلیس، اسناد براتی دسته ای از تعهدات مکتوب با سابقه طولانی در عرف بازرگانی محسوب می‌شوند که دارای ویژگیهایی متضمن مبلغی پول و قابلیت انتقال از طریق قبض و اقباض یا ظهرنویسی هستند. سند براتی، منتقل‌الیه یا دارنده را قادر می سازد تا بدون هیچ تشریفاتی مبلغ آن را دریافت یا به نام خود طرح دعوی نماید (Walker , 1980, p.874). منتقل الیه سند نسبت به مبلغ مندرج در آن، با حسن نیت (holder in due course) محسوب می‌شود که بدون توجه به هر ایرادی در مالکیت ناقل، مالکیت معتبری را نسبت به آن سند کسب می نماید (Bradgate & White, 2007,p.284). حال سؤالی که مطرح می شود این است که آیا اسناد براتی (اسناد قابل معامله) از نظر مقررات انگلیس قابل رهن و وثیقه هستند یا خیر؟ قبل از پاسخ به این سؤال لازم است موقعیت مالی اسناد موصوف را در بین سایر اموال و نیز ماهیت آن ها را بررسی کنیم.

بند یکم- جایگاه و ماهیت اسناد براتی:

حقوقدانان انگلیس «مال» را عبارت از حق یا حقوقی می دانند که نسبت به یک شیء یا یک موضوع ایجاد می شود. بنابراین گفته اند مال، خود آن شیء نیست بلکه حقی است که یک شخص نسبت به آن شیء یا موضوع به دست می آورد. این موضوع یا شیء ممکن است مادی یا غیر مادی باشد (Panesar, 2001, pp.7-8). اسناد قابل معامله و از جمله اسناد براتی در زمره اموال غیر مادی (intangible property) هستند(Ibid, p.58) و لذا مال محسوب می شوند.

در حقوق انگلیس اموال به دو دسته اموال غیر منقول (real property) و اموال شخصی (personal property) تقسیم شده‌اند: اموال شخصی هم به دو دسته تقسیم می شوند: اموال مورد تصرف (chooses in possession) و حقوق موضوع دعوی (chooses in action). (Kenneth & Keenan, 2001, p. 539) منظور از اموال مورد تصرف، اموالی است که

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

موضوع آن عین است مثل ماشین و کتاب. ولی حقوق موضوع دعوی، حقوقی دارای ارزش مالی هستند که از طریق اقامه دعوی قابل مطالبه و اجرا می باشند. اساسا مال مادی قابل تصرف واقعی است و اموال غیر مادی مانند اسناد قابل معامله و حقوق مالکیتهای فکری قابل تصرف مادی نیستند. با وجود این امروزه یکی از برجسته ترین چهره های حقوق اموال ،اموال منقول غیر مادی هستند که توسعه فراوان یافته اند. زمانی تصور این بود که «زمین» ارزشمندترین ثروت است در حالیکه جوامع امروزی بر چیزهایی که غیرمادی هستند تاکید می کنند. اکنون بسیاری از مؤسسات تجاری که در بخش صنعت فعالیت دارند دارای حقوقی از نوع اموال غیرمادی هستند که ارزش آن ها از اموال مادی آن مؤسسات بیشتر است (Panesar, op. cit., pp.57-58).

حقوق موضوع دعوی هم به دو دسته تقسیم می شود: اموال غیر مادی مطلق و اموال غیرمادی اسنادی. از مصادیق اموال دسته اول می توان به دین، حق مؤلف و سرقفلی اشاره کرد و از اموال نوع دوم، اسناد قابل معامله را نام برد. لذا اسناد قابل معامله و از جمله برات، سفته و چک در دسته اموال غیرمادی اسنادی قرار دارند. با وجود این شاید بتوان اسناد مزبور را برزخ اموال مادی و غیر مادی محسوب کرد. زیرا این اسناد در زمره اموال غیرمادی مطلق قرار ندارند.

در مورد اسناد براتی عرفی شکل گرفته است که به موجب آن، اسناد مذکور ممکن است به آسانی و بدون دادن اخطار به مدیون از شخصی به شخص دیگر منتقل شوند. اگر منتقل‌الیه، آن را با حسن نیت و در ازای مال تحصیل کرده باشد مالک قانونی سند محسوب می‌شوند و مالکیتی بهتر از مالکیت ناقل به دست می آورد (Lowe, 1973, p.310). این امر استثنای مهمی است بر این اصل حقوقی در کامن‌لا که هیچ انتقال‌گیرنده‌ای نمی‌تواند از حقی برتر از انتقال‌دهنده برخوردار گردد. قاضی«بلک برن» در مورد امکان انتقال این اسناد می گوید: «وقتی سندی به حکم عرف تجارتی همانند پول نقد و با تحویل قابل انتقال است و دارنده فعلی آن می تواند با توجه به قابلیت سند اقامه دعوی نماید پس حق دارد آن را به

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

عنوان یک مال قابل انتقال به منتقل الیه با حسن نیت و در مقابل بهای آن واگذار کند. گرچه این واگذاری، در بازار رسمی هم صورت نگیرد» (Ibid, p.311). هدف اصلی در این اسناد، حقی است که آن ها برای دریافت چیزهایی مانند پول به اثبات میرسانند. این اسناد نه فقط مثبت حق مزبور هستند بلکه به آن حق، صورت خارجی و عینیت می بخشند. در واقع اسناد مزبور تجسم حق منعکس در آن ها می باشند. لذا این اسناد نه‌تنها به دارنده، حق مطالبه موضوع آن ها را می دهد بلکه این امکان را نیز فراهم می سازد تا از طریق ظهرنویسی و تحویل، آن را به دیگری انتقال دهد (Panesar, op. cit. , p.58).

از بین اسناد براتی مورد بحث، برات در سطح وسیعی مورد استفاده می‌باشد و شاید از مهمترین ابزار پرداخت تجارتی محسوب شود. مقررات مفصلی هم در قانون بروات (bills of exchange act, 1882) برای آن پیش بینی شده است. سفته و چک هم در بسیاری از مقررات از برات تبعیت می کنند هر چند در مواردی برخی از مقررات برات در مورد آن ها قابل اجرا نبوده یا اسناد مذکور دارای مقررات خاص می باشند مانند قانون چک مصوب 1957 و 1992.

از آنچه گفته شد معلوم گردید که اسناد قابل معامله و اسناد براتی اولاً مال هستند، ثانیاً مال منقول و قابل معامله می‌باشند و ثالثاً اگرچه در گروه اموال غیرمادی قرار دارند ولی با اموال غیرمادی مطلق تفاوت دارند. این اسناد تجسم عینی حقوق موضوع خود یعنی مبلغی پول هستند و به نظر می رسد ماهیت آن ها با آنچه که ما در حقوق ایران ماهیت اسناد مذکور را در ردیف اموال منقول اعتباری و در حکم عین دانستیم یکسان یا دارای شباهت زیادی می باشند.

بند دوم- رهن اسناد براتی:

اساسا در حقوق انگلیس هر نوع مالی قابل رهن گذاری است و این تضمین بر خلاف وثیقه اختصاص به نوع معینی از اموال ندارد. بعضی از حقوقدانان انگلیس تصریح کرده اند که هر مالی شامل مال غیرمنقول، اموال شخصی، اموال عینی و دینی، اموال موجود و حتی

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

مالی که در آینده تحصیل (future property) می شود می تواند مورد رهن قرار گیرد (Keenan& Riches, 2002, p.62; Bradgate & White & Fennell, 2002, p.302). در قسمتی از ماده 205 قانون حقوق اموال انگلیس مصوب 1925 آمده است: «رهن شامل هر نوع گرو یا حق حبس است که نسبت به هر نوع مالی به منظور تضمین مبلغی پول یا ارزش مالی برقرار می شود» (http://www.paclii.org/vu/legis). همچنین مطابق این ماده مال، هرگونه حقی اعم از حق موضوع دعوی و یا حقی در اموال منقول و غیرمنقول را شامل می‌گردد. بنابراین حقوق موضوع دعوی مانند اسناد قابل معامله و از جمله اسناد براتی را می توان در رهن قرار داد(Keenan & Riches, op. cit).

از این جهت رهن نسبت به وثیقه دارای امتیاز و برتری می باشد. زیرا وثیقه در مورد اموال دینی یا اموالی که در آینده به دست می آید پذیرفته نشده است (Bradgate & White, op. cit. , p.302).

در قانون اموال انگلیس عنوان مستقلی در مورد رهن، وثیقه یا ظهرنویسی تضمینی اسناد براتی وجود ندارد؛ ولی در بند 3 ماده 27 آن قانون به واژه«lien» به معنای حق حبس اشاره شده است. بعضی از نویسندگان حقوقی این واژه را به معنای وثیقه گرفته و گفته‌اند به موجب ماده یادشده، برات در حقوق انگلیس قابل توثیق است (اسکینی، 1373،ص 169- صقری، 1387،ص 94). به نظر می رسد استعمال این واژه در معنای رهن هم ایرادی ندارد زیرا همانطور که گفته شد ماده 205 قانون حقوق اموال، حق حبس را هم مشمول رهن دانسته است.

مطابق بند 3 ماده 27 قانون بروات در موردیکه دارنده برات به طور قراردادی یا قانونی نسبت به آن حق حبس یا رهن دارد فرض بر این است که او به میزان مبلغی از سند که نسبت به آن محق است دارنده برات به‌ازای مال محسوب می شود (http://www.opsi.gov.uk). بعضی حقوقدانان انگلیسی می گویند: «معنی دقیق عبارت، به میزان مبلغی که او حق رهن دارد، مبهم است ولی به نظر می رسد اگر کسی سند را در

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

مقابل کل مبلغ آن به رهن داده است دارنده می تواند مطابق بند 2 ماده 27 قانون مذکور، همه مبلغ را مطالبه کند و حسب مورد علیه صادرکننده نسبت به مبلغ سند اقامه دعوی نماید اما اگر مبلغ معینی از سند وثیقه است دارنده فقط می تواند همان مبلغ را مطالبه کند...»(Lowe, op. cit. , p.332).

به موجب مواد 73 و 89 قانون بروات «مقررات بند 3 ماده 27 آن قانون در مورد چک و سفته هم لازم الاجرا است و لذا این اسناد هم قابل رهن هستند. بر این اساس یکی از حقوقدانان انگلیس در مورد رهن سفته می گوید: «به همین ترتیب سفته هم می تواند گاهی اوقات به عنوان مال موضوع رهن مورد استفاده قرار گیرد. زیرا شیوه نسبتاً سریع اجرای آن برای طلبکار امری مطلوب می باشد»(Ibid).

بند سوم- وثیقه اسناد براتی:

«pledge یا pawn» به معنای وثیقه و عبارت است از اینکه شخصی کالای معینی را به عنوان تضمین انجام یک تعهد یا پرداخت دین، در اختیار دیگری یا نماینده او قرار دهد تا در صورت ایفای تعهد، وثیقه گیرنده آن را به او بازگرداند و در غیر این صورت حقوق خود را از محل فروش آن کالا استیفا نماید. وثیقه، نوعی معامله و عقد محسوب می شود و یکی از عناصر آن توافقی است که بین وثیقه گذار و وثیقه گیرنده به وجود می آید (Mann, 1998, p.770). همچنین این اصطلاح در مورد چیزهایی که به وثیقه گذاشته می شود نیز استعمال می شود (Walker, op. cit. , p.963). چیزهایی قابل توثیق هستند که قابل تصرف باشند. بنابراین، وثایق عملا به کالا، اسناد مالکیت آن مانند بارنامه و قبض انبار و اسناد قابل معامله محدود می گردد (Ibid).

با وجود این در مورد اسناد براتی گفته شده است چنانچه بر روی یک برات عبارت «غیر قابل انتقال» درج و یا چکی به صورت بسته صادر شده باشد قابل توثیق نیستند (Bradgate & White, op. cit. . pp.509-510). ماده 81 قانون بروات در این مورد مقرر می دارد: «جایی که شخص چک بسته ای (cheque crossed) را که بر روی آن کلمات

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

غیرقابل انتقال درج شده است، تحویل می گیرد نباید و نمی تواند مالکیتی بهتر از ناقل نسبت به چک مزبور به دست آورد» (http://www.opsi.gov.uk). در این حالت چک یا برات مزبور حاکی از یک دین مطلق است نه در حکم عین قابل انتقال تا قابل توثیق باشد. جز در مورد مذکور اسناد براتی اعم از برات، سفته و چک قابل توثیق می باشند. بند 3 ماده 27 قانون بروات هم که به واژه های «lien و pledge» اشاره کرده و هر دو را در دسته تضمین یا وثیقه تصرفی (possessory security) قرار داده است مؤیدی بر این مطلب می باشد. زیرا مطابق این ماده برات، قابل وثیقه گذاری است و همانگونه که قبلاً گفته شد ماده مزبور در مورد سفته و چک هم اجرا می شود.

به نظر می رسد علت این که اسناد قابل معامله مخصوصا برات، سفته و چک قابل وثیقه و تصرف هستند آن است که این اسناد، نماینده همان مبلغ پولی هستند که در آن ها درج شده است. از آنجا که موضوع این اسناد عرفا از خود سند قابل تفکیک نیست، وثیقه این اسناد به منزله وثیقه موضوع آن هاست که با توجه به ویژگیهایی که دارند به صرف قبض و اقباض یا ظهرنویسی و تسلیم، مورد انتقال قرار گرفته و به قبض وثیقه گیرنده در می آیند. درست همانند بارنامه و قبض انبار عمومی که نماینده موضوع کالای خود هستند و قبض و تصرف آن ها در حکم تصرف کالای موضوع آن اسناد به حساب می آید.

در کامن‌لا، تشریفات و شکل خاصی برای تشکیل وثیقه پیش بینی نشده است؛ اما بهتر است قراردادی متضمن شرایط وثیقه جهت تعیین حقوق و وظایف طرفین تنظیم گردد. در مورد وثیقه اسناد براتی، ظهرنویسی به عنوان وثیقه و در صورت لزوم، تعیین مبلغی از سند که وثیقه قرار می گیرد در حکم قرارداد طرفین محسوب می شود. ظهرنویسی مزبور و قواعد کلی حاکم بر آن، حقوق و وظایف طرفین را معین می سازد؛ هرچند ممکن است قرارداد جداگانه ای نیز تنظیم گردد.

در توثیق اسناد براتی گاهی تمام مبلغ سند، وثیقه قرار گرفته و با ظهرنویسی در اختیار وثیقه گیرنده قرار می گیرد. در این حالت شخص اخیر،دارنده به ازای مال محسوب می

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

شود و می تواند در صورت عدم پرداخت دین توسط مدیون، به عنوان دارنده اقدامات لازم را انجام داده و مبلغ سند را وصول نماید. از آنجا که دارنده مزبور به نام خود اقدام می کند، وکیل ظهرنویس محسوب نمی شود بنابراین مسئولان سند نمی توانند در مقابل او متوسل به ایراداتی شوند که می توانستند در مقابل ظهرنویس مطرح نمایند (اسکینی، 1373،ص 106).

گاهی نیز قسمتی از مبلغ سند، وثیقه قرار می گیرد. در این صورت ظهرنویسی مزبور طبق بند 2 ماده 32 قانون بروات، موجب انتقال سند نمی گردد. با وجود این به نظر برخی حقوقدانان انگلیس این نوع ظهرنویسی می تواند به عنوان یک اجازه و اختیار، وثیقه گیرنده را مستحق دریافت مبلغ نماید (Lowe, op. cit. ,p.334). بدیهی است در این مورد وثیقه گیرنده برای دریافت مبلغ مازاد بر وثیقه باید به عنوان وکیل ظهرنویس عمل کند (اسکینی، 1373،ص 106). در این صورت تنظیم قراردادی بین طرفین می تواند حقوق و وظایف آن ها را معین کند.

نتیجه گیری:

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می آید که در حقوق ایران اسناد براتی قابل رهن و وثیقه هستند همانگونه که در حقوق انگلیس نیز این قابلیت وجود دارد. رهن در حقوق دو کشور احکام متفاوتی دارد اما وثیقه در حقوق انگلیس از جهت مال موضوع آن، شرط قبض و حفظ مالکیت مال برای وثیقه گذار، شبیه رهن در حقوق ایران است. در حقوق انگلیس هرچند این اسناد در زمره حقوق موضوع دعوی قرار دارند ولی دین مطلق نیستند و به جهت تجسم مال موضوع آن ها در سند و دارا بودن ویژگی‌های قانونی، مالی اعتباری، منقول، قابل معامله و قبض و اقباض و در حکم عین محسوب می شوند. در حقوق ایران، ماده 13 قانون صدور چک (بند ج و د) به صدور چک تضمینی اشاره کرده و بند 1 ماده واحده قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانکها و ... به رهن چک و سفته تصریح نموده است. بند 2 ماده واحده مزبور نیز توثیق سفته را پذیرفته است. بنابراین نمی توان با استناد به مواد 772 و 774 قانون مدنی یا عدم پیش بینی مقرراتی درباره ظهرنویسی وثیقه ای اسناد

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

براتی در قانون تجارت، رهن و وثیقه آن ها را غیرممکن دانست. در حقوق انگلیس هم ماده 205 قانون حقوق اموال و بند 3 ماده 27 قانون بروات رهن و وثیقه اسناد براتی را پذیرفته است.

با تحلیلی که از ماهیت اسناد براتی از جهت مالیت و نوع آن ارائه گردید، می‌توان گفت سایر اسناد تجاری هم که دارای ویژگی‌های یاد شده هستند، قابل رهن و وثیقه می باشند مانند رهن و وثیقه اوراق بهادار (مثل سهام شرکت‌های سهامی) و گواهی‌های سپرده بانکی. بند 1 ماده واحده فوق‌الذکر رهن این اسناد را هم پذیرفته و طبعا وثیقه آن ها به طریق اولی ممکن است هر چند مقرراتی در این زمینه هم وجود دارد. به همین ترتیب در حقوق انگلیس نیز رهن و وثیقه سایر اسناد قابل معامله مانند اوراق قرضه در وجه حامل، حواله سود سهام و حواله بانکی پذیرفته شده است.

منابع و مآخذ:

الف- فهرست منابع فارسی:

1- اخلاقی، بهروز، (1370)، **جزوه درسی حقوق تجارت 3**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

2- اسکینی، ربیعا، (1376)، **حقوق تجارت (برات، سفته ... و چک)**، تهران، سمت.

3- --------، (1373)، **حقوق تجارت تطبیقی**، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

4- اشمیتوف، کلایو. ام، (1378)، **حقوق تجارت بین‌الملل**، مترجم: بهروز اخلاقی و دیگران، 2 جلد، جلد 2، تهران، سمت.

5- افتخاری، جواد، (1380)، **حقوق تجارت 3**، تهران، ققنوس.

6- خمینی، سید روح الله، (1361)، **رساله توضیح المسائل**، تهران، صبا.

7- امامی، سید حسن، (1377)، **حقوق مدنی**، 6 جلد، جلد 1، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

8- بانک صادرات ایران، بخشنامه شماره 78/52/18 – 1 مورخ 1387/3/16.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

9- بهرامی، بهرام، (1384)، **وصف توصیفی در اسناد تجاری**، تهران، نگاه بینه.
10- تبریزی، شیخ میرزا جواد، (1357)، **رساله توضیح المسائل**، قم، دفتر نشر برگزیده.
11- جعفری لنگرودی، محمد جعفر،(1378)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، 5 جلد، جلد 2 و 4، تهران، کتابخانه گنج دانش.
12- ------، 1376، **دانشنامه حقوقی**، 5 جلد، جلد 5، تهران، امیرکبیر.
13- ------، 1386، **الفارق**، 5 جلد، جلد 3، تهران، کتابخانه گنج دانش.
14- ------، 1370، **حقوق مدنی**، رهن و صلح، تهران، کتابخانه گنج دانش.
15- حائری شاهباغ، سید علی، (1376)، **شرح قانون مدنی**، تهران، کتابخانه گنج دانش.
16- حسینی تهرانی، سید مرتضی، (1364)، **ظهرنویسی**، مقررات و انواع آن، فصلنامه حق، دفتر چهارم.
17- خامنه‌ای، سید علی، (1387)، **رساله اجوبه‌الاستفتائات (ترجمه فارسی)**، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
18- دمرچیلی، محمد و دیگران، (1384)، **قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی**، تهران، میثاق عدالت.
19- ره پیک، حسن، (1387)، **حقوق مدنی (عقود معین 2)**، تهران، خرسندی.
20- ستوده تهرانی، حسن، (1388)، **حقوق تجارت**، 4 جلد، جلد 3، تهران، دادگستر.
21- سلجوقی، محمود، (1377)، **حقوق بین الملل خصوصی (تعارض قوانین)**، 2 جلد، جلد 2، تهران، دادگستر.
22- صادقیان، ابوالحسن،(1340)، **مطالعه تطبیقی راجع به برات و محل آن**، تهران، چاپخانه حیدر.
23- صفایی، سید حسین، (1383)، **حقوق مدنی (اشخاص و اموال)**، تهران، میزان.
24- صقری، محمد، (1387)، **حقوق بازرگانی اسناد**، تهران، شرکت سهامی انتشار.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]

25- عرفانی، توفیق، (1380)، **اسناد و دعاوی تجاری در آرای دیوان عالی کشور**، 2جلدی، جلد 2، تهران، ققنوس.

26- عرفانی محمود، (1378)، **حقوق تجارت**، 5 جلد، جلد 1، تهران، جهاد دانشگاهی.

27- کاتوزیان، ناصر، (1378)، **حقوق مدنی (اموال و مالکیت)**، تهران، دادگستر.

28- ------، 1364، **حقوق مدنی (عقود اذنی- وثیقه های دین)**، تهران، بهنشر.

29- نیک فرجام، کمال، (1388-1389)، **مطالعه تطبیقی رهن و وثیقه سهام شرکتهای سهامی و اسناد تجاری در حقوق ایران و انگلیس**، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات).

ب- فهرست منابع انگلیسی:

1- Bradgate, R. & white, F. & Fennell, S., 2002, **Commercial Law**, New York: Oxford.

2- Bradgate, R. & white, F., 2007, **Commercial Law**, Great Britain: Ashford Color Press.

3- http://www.opsi.gov.uk, 2011.

4- http://www.paclii.org/vu/legis/vu-uk, 2011.

5- Keenan, Denis & Riches, Sarah, 2002, **Business Law**, Great Britain: Longman.

6- Kenneth, Smith & Keenan, Denis, 2001, **English Law**, London: Longman.

7- Lowe, Robert, 1973, **Commercial Law**, London: Sweet & Maxwell.

8- Mann, Richard A., 1998, **Essential of Business Law**, United States Of America: Thomson Publishing Company.

9- Panesar, Sukhninder, 2001, **General Principle of Property Law**, Great Britain: Longman.

10- Walker, David M., 1980, **The Oxford Companion to Law**, New York: Oxford University Press.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-01-31]